

## اشتقاق و تصریف در گویش لکی

رسول مرادی\*

### چکیده

لکی از زمره گویشهای اصیل ایرانی است که کمتر مطالعه می‌شود. بنابراین وجوه ناشناخته بسیاری دارد که می‌توان آنها را مطالعه کرد. در مقاله حاضر به بررسی اشتقاق و تصریف در گویش لکی پرداخته می‌شود. اشتقاق اسم، فعل، صفت، و قید در مبحث اشتقاق و تصریف اسم، صفت، و فعل در مبحث تصریف بررسی شده است. توصیف و دسته‌بندی وندهای اشتقاقی و تصریفی در گویش لکی هدف اصلی مقاله است. در این مقاله، پس از طبقه‌بندی وندهای اشتقاقی و تصریفی، شیوه شناسایی و ساخت آنها بیان شده است. همچنین نوع وندها از نظر محل قرار گرفتن در مقایسه با پایه، یعنی پیشوند بودن یا پسوند بودن، بررسی شده است. برخی از آواهای گویش لکی در زبان فارسی وجود ندارد. به همین دلیل، برای سهولت کار خوانندگان، نمونه‌ها با الفبای بین‌المللی آوانویسی (۲۰۰۵) آوانویسی شده که در انتهای مقاله در قالب پیوست آمده است. همچنین معادل فارسی هر یک از نمونه‌ها کنار آن آمده است.

کلیدواژه‌ها: اشتقاق، تصریف، وند، وند اشتقاقی، وند تصریفی، پیشوند، پسوند، تکواژ، تکواژگونه، ریشه، ستاک، پایه

### مقدمه

گویش لکی از زمره گویشهای شمال غرب ایران (از جمله: گویشهای کردی، بلوچی، طالشی، سمنانی، و دیگر گویشها) است. شمار گویشوران گویش لکی حدود دومیلیون نفر است. عمده

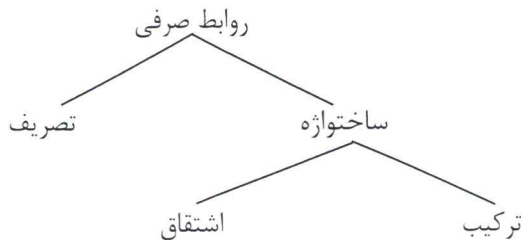
\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی

این گویشوران در استان لرستان‌اند. افزون بر این، در دیگر مناطق کشور از جمله در استانهای کرمانشاه، ایلام، همدان، خراسان، و قزوین نیز کسانی به این گویش سخن می‌گویند.

امروزه بیشتر کلمات لکی، که از گویشهای قدیم ایران است، به زبان پهلوی نزدیک است. این گویش با زبان اوستایی و پهلوی (فارسی میانه) شباهتهای بسیاری دارد. این شباهتها نه فقط واژگان بلکه آواها را نیز شامل می‌شود (ایرج کاظمی، ۱۳۸۴: ۵). در گویش لکی چهار لهجه اصلی هست: لهجه نورآبادی (دلفانی)، لهجه کوهدشتی، لهجه آلاشتر (Alashtar)، و لهجه بیرانوندی. شباهت سه لهجه اول به کردی بیش از لهجه چهارم است. این سه لهجه به دلیل عامل مهم آهنگین بودن در مقایسه با لکی بیرانوندی بیشتر با شعر عجین بوده است (تراپ‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵).

پژوهشهای صورت‌گرفته زبان‌شناختی در مورد گویش لکی چندان زیاد نیست. این پژوهشها عمدتاً به صورت کتاب و مقاله چاپ شده‌اند. عمده این مطالعات به صورت کلی «دستور زبان لکی» منتشر شده و کمتر به حوزه‌های تخصصی پرداخته شده است. بیشتر این پژوهشها بدون استفاده از ابزارهای زبان‌شناسی امروزی صورت گرفته است. از آنجا که در بیشتر موارد — به‌خصوص در مورد ساختمان واژه گویش لکی — تحقیقات ضروری مبتنی بر یافته‌های علم زبان‌شناسی صورت نگرفته، شاهد به کنار رانده شدن و زوال تدریجی آنیم. بنابراین تحقیق و بررسی درباره گویش لکی ضروری می‌نماید. از آنجا که صرف یکی از شاخه‌های اصلی بررسی زبان است و برای توصیف دیگر وجوه گویش لکی نیازی مبرم بدان احساس می‌شود، به توصیف و اشتقاق — بخش مهمی از صرف در گویش لکی دلفان — پرداخته شده است.

دو نوع رابطه صرفی بین واژه‌ها وجود دارد: یکی تصریف (صرف تصریفی) است که به رابطه بین صورت کلمات هر واژه می‌پردازد. دیگری اشتقاق (صرف اشتقاقی) است که رابطه بین واژه‌های هر خانواده قاموسی را تبیین می‌کند. روابط صرفی بین واژه‌ها را می‌توان چنین نشان داد (Haspelmath, 2002: 15-17):



وندهای اشتقاقی در فرایندهای اشتقاقی شرکت می‌کنند. کاربرد این نوع وندها سماعی است.

یعنی با همهٔ اعضای هر مقوله از کلمات به کار می‌روند (کلباسی، ۱۳۸۲: ۲۳). ویژگیهای وند اشتقاقی عبارت‌اند از:

۱. واژهٔ جدیدی می‌سازد که مدخل واژگانی فرهنگهای لغت را تشکیل می‌دهد.  
۲. معمولاً مقوله و معنای واژهٔ پایه را تغییر می‌دهد، اما همهٔ وندهای اشتقاقی چنین عمل نمی‌کنند.

۳. فهرستی باز دارند؛ یعنی امکان افزایش یا کاهش در تعداد آنها وجود دارد.

۴. وندهای اشتقاقی در مقایسه با وندهای تصریفی زایا نیستند.

۵. وندهای اشتقاقی نزدیک‌تر از وند تصریفی به پایه‌اند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۷۱-۶۹).

وندهای تصریفی در تصریف عمل می‌کنند. این وندها به صورت قیاسی به کار می‌روند، یعنی با همهٔ اعضای هر مقوله از کلمات به کار می‌روند (کلباسی، همان: ۲۳). شقاقی برخی ویژگیهای وندهای تصریفی را برشمرده است:

۱. با مفاهیم دستوری سروکار دارند. مفاهیمی چون جمع در اسمها، زمان، وجه، نمود، جهت، شخص، شمار در فعلها، و مقایسه در صفات به کمک وند تصریفی یا واژه‌های مستقل به پایه افزوده می‌شود.

۲. وند تصریفی فقط نقش دستوری دارد و هیچ‌گاه واژهٔ جدیدی نمی‌سازد.

۳. وندهای تصریفی از نظر تعداد، در مقایسه با وندهای اشتقاقی، مجموعهٔ بسته‌ای را تشکیل می‌دهند. به‌ندرت و پس از مدتی طولانی ممکن است تغییری در تعداد آنها به وجود آید.

۴. وندهای تصریفی بسیار زایا‌بند؛ یعنی به بیشتر پایه‌های ممکن متصل می‌شوند (شقاقی، همان: ۷۲-۷۱).

## ۱ اشتقاق

اسم، فعل، صفت و قید، و وندهای شرکت‌کننده در این فرایند در این بخش توصیف می‌شوند.

### ۱-۱ اشتقاق اسم

#### پیشوندهای اشتقاقی اسم‌ساز

تعداد پیشوندهای به‌کارگرفته‌شده برای اشتقاق اسم در گویش لکی زیاد نیست و به شرح زیر است:

/bæʎæ-/ پیشوندی است اسم‌ساز که فقط در واژه‌های قدیمی دیده می‌شود:

bæʎæ-ti n

طنابی که روی بار بندند

/mem-/ پیشوندی است نسبتاً زایا و برای ساختن اسم جدید به اسم دیگر می‌پیوندد:

mem-sa

همسایه

### پسوندهای اشتقاقی اسم‌ساز

شمار پسوندهای به‌کارگرفته‌شده برای ساخت اسم در گویش لکی در مقایسه با پیشوندها بسیار زیاد است.

/-i-/ پسوندی است که به اسم یا صفت افزوده می‌شود و اسم (معنی) می‌سازد. این پسوند بسیار زایاست:

berr-i

لکنت زبان

/-awen/ پسوند اسم‌ساز دیگری است که معنی محافظت و نگهبانی را می‌رساند:

gaʎ-awen

چوپان

پسوند /-bon/ گونه‌ای دیگر از پسوند /-awen/ است با این تفاوت که /-awen/ بیشتر با کلمات اصالتاً لکی به کار برده می‌شود:

negæ-bon

نگهبان

/-æ/ این پسوند از زیاترین پسوندهای اسم‌ساز در گویش لکی است. این پسوند به اسم افزوده می‌شود و اسمی می‌سازد که معنی ابزار، اشیا، و گاه مفهوم آهنگ و طنین را می‌رساند:

dæss-æ

دسته

/-æki/ این پسوند فقط به واژه‌های معدودی اضافه می‌شود و، علاوه بر ساخت اسم، مفهوم جوانی و شادابی را در مورد انسان می‌رساند:

det-æki

دختر جوان

/-kæ/ پسوندی است که غالباً معنی تحقیر و خردی را می‌رساند و به اسمهای مربوط به انسان متصل می‌شود. این پسوند نسبتاً زایاست:

pia-kæ

مردک

/-tʃæ/ پسوندی است که برای تصغیرسازی به اسم می‌پیوندد و اسم ابزار و اشیا می‌سازد:

bil-tʃæ

بیلچه

/-iʎek/ این پسوند برای تصغیرسازی به کار می‌رود و مفهوم خردی و کوچکی را می‌رساند:

dʒom-iʎek

جام کوچک

- /-iʎkæ/* پسوندی است که زایایی چندانی ندارد و مفهوم خردی را می‌رساند:  
 tʃez-iʎkæ تفتیدهٔ دنبه
- /-ek/* پسوندی است که برای تصغیرسازی به کار می‌رود و نسبتاً بسیار زیاست:  
 yʎy-ek توله‌خرس و گراز
- /-ini/* این پسوند اسم‌ساز به صفت افزوده و فقط در واژه‌های محدودی دیده می‌شود:  
 ræŋ-ini زیبایی
- /-son/* این پسوند به اسم اضافه می‌شود و نشان‌دهندهٔ مکان است که کلمه‌ای به آن اضافه شده است. این پسوند فراوان به کار می‌رود:  
 ko-son کوهستان
- /-don/* این پسوند به اسم افزوده می‌شود و مفهوم مکان یا جا را می‌رساند:  
 kæ-don کاهدان
- /-mon/* پسوندی است که با اسم و ستاک فعلی ترکیب می‌شود. در مورد دوم نتیجهٔ فعل را نشان می‌دهد:  
 ris-mon ریسمان
- /-æk/* این پسوند به اسم اضافه می‌شود و اسم‌هایی را می‌سازد که از نظر شکل و نقش و دیگر ویژگی‌ها شبیه اسم‌هایی‌اند که به آن اضافه شده است. همچنین اسم‌هایی را می‌سازد که نام برخی از بیماری‌ها، گیاهان و غیره است.  
 dyson-æk نوعی خار
- /-æni/* پسوندی است اسم‌ساز که زایایی کمی دارد:  
 drew-æni دروکننده
- /-mæn/* پسوندی است که به اسم اضافه می‌شود و زایا نیست:  
 tʃew-mæn غذای شبمانده
- /-a/* این پسوند زایایی کمی دارد به طوری که فقط در واژه‌های معدودی دیده می‌شود:  
 kul-a چادر کوچک
- /-ulki/* پسوندی است که به اسم اضافه می‌شود و بیشتر اسم‌های مربوط به کودکان را می‌سازد:  
 gam-ulki شیوهٔ راه رفتن کودک
- /-ani/* پسوندی است اسم‌ساز که به اسم ملحق می‌شود و اسم فاعل می‌سازد:  
 ?ager-ani آتش‌دهنده

/-onæ/ این پسوند به اسم اضافه می‌شود و دوباره از آن اسم می‌سازد اما مفهومی همچون «مراسم» به آن می‌افزاید:

ʔed-onæ عیدانه

/-gæ/ این پسوند یکی از پسوندهای مکان‌ساز است که به اسم و فعل می‌پیوندد و اسم می‌سازد و بسیار زیاست:

pæreŋ-gæ محلی برای پریدن از روی آب

/-ga/ این پسوند همانند پسوند «گاه» در زبان فارسی مکان‌ساز است:

dærmo-ga درمانگاه

/-ger/ این پسوند به اسم اضافه می‌شود و اسم فاعل می‌سازد:

peft-ger ماما

/-kæŋ/ پسوندی است که به اسم افزوده می‌شود و اسم فاعل می‌سازد. این پسوند بسیار زیاست:

vet væt-kæŋ سخن‌چین

## ۲-۱ اشتقاق فعل

اشتقاق فعل از اسم، صفت، قید، و دیگر مقولات در فرایند ترکیب صورت می‌گیرد که از حیطة پژوهش حاضر خارج است. در گویش لکی، اشتقاق فعل به این صورت نیست که فعل از مقوله دیگری ساخته شود. با این حال، شمار فراوانی از پیشوندهای فعلی در گویش لکی هست که به فعلهای ساده ملحق می‌شوند.

### پیشوندهای اشتقاقی فعل‌ساز

در گویش لکی، با افزودن پیشوندهایی به افعال می‌توان فعل دیگری ساخت. این پیشوندها معنی ثابتی ندارند و معانی متفاوتی را به افعالی می‌بخشند که به آنها اضافه می‌شوند.

/ʔer-/ پیشوندی است که به فعل می‌پیوندد و از آن فعل جدیدی با معنایی متفاوت می‌سازد. این پیشوند زایایی فراوانی دارد:

ʔer-hæten بیرون آمدن (hæten = آمدن)

/ʔærija-/ پیشوندی است فعل‌ساز با کاربردی محدود و فقط به افعال خاصی مانند «آمدن» و «رفتن» می‌پیوندد:

ʔærija-tʃin رخت بر بستن (tʃin = رفتن)

/geʎ-/ این پیشوند کاربرد محدود دارد و مفهوم برگشتن را به معنای اولیه فعل می‌افزاید:

geʎ-awerden (awerden = آوردن) برگشتن (آوردن)

/ʔa-/ پیشوندی که به فعل می‌پیوندد و فعل جدیدی از آن می‌سازد:

ʔa-hæten (hæten = آمدن) بازگشتن (آمدن)

/ʔera-/ پیشوندی که برای ساختن فعل جدید به برخی افعال می‌پیوندد:

ʔera-kæten (kæten = افتادن) از جایی افتادن (افتادن)

### پسوندهای اشتقاقی فعل‌ساز

برخی افعال در گویش لکی از طریق اضافه کردن وندی سببی‌ساز به فعلی دیگر حاصل می‌شوند. در مبحث تصریف از وند سببی‌ساز مفصل سخن به میان خواهد آمد.

### ۳-۱ اشتقاق صفت

در گویش لکی، وندهای بسیاری هست که برای ساخت صفت از صفت و دیگر مقولات در فرایند صرفی اشتقاق به کار گرفته می‌شوند. در این بخش ابتدا به پیشوندها و سپس به پسوندهای صفت‌ساز پرداخته می‌شود.

#### پیشوندهای اشتقاقی صفت‌ساز

تعداد پیشوندهای اشتقاقی، در مقایسه با پسوندهای اشتقاقی، بسیار کمتر است. حال، پیشوندهای اشتقاقی صفت‌ساز مفصل بررسی خواهد شد:

/ʔæ-/ این پیشوند به صفت مفعولی و اسم می‌پیوندد و از آن صفت می‌سازد:

ʔæ-telija انسان یا چیز له‌شده

این پسوند گاهی به صورت /ʔa-/ هم به کار می‌رود:

ʔa-veʃkija از هم پاشیده شده

/ʔer-/ پیشوندی که به صفت مفعولی افزوده می‌شود و معنای آن را برجسته می‌کند. این پیشوند زایا نیست:

ʔer-tʃuqij کاملاً ویران شده

/bi-/ پیشوندی که به اسم می‌پیوندد و صفت می‌سازد. این پیشوند نسبتاً زایاست:

bi-ry آدم خجالتی

/mem-/ این پیشوند به اسم اضافه می‌شود و صفت می‌سازد. یکی از پیشوندهای اسم‌ساز هم به حساب می‌آید:

mem-k<sup>w</sup>er

رفیق وفادار

/ær-/ این پیشوند به اسم اضافه می‌شود و صفت می‌سازد:

ʔær-dʒa

پا بر جا

/næ-/ پیشوندی که به صفت افزوده می‌شود و مفهوم نفی را می‌رساند:

næ-terafija

نتراشیده

این پیشوند گاهی به صورت /na-/ هم ظاهر می‌شود:

na-jur

ناجور

### پسوندهای اشتقاقی صفت‌ساز

در گویش لکی، شمار زیادی از پسوندهای اشتقاقی برای ساختن صفت به صفت و به دیگر مقولات افزوده می‌شوند. اکنون، مفصل به آنها پرداخته خواهد شد.

/-ækoni/ پسوندی که به اسم اضافه می‌شود و صفت می‌سازد. این پسوند اغلب معنای شباهت را می‌رساند:

det-ækoni

دخترانه

/-onæ/ این پسوند نسبتاً زایا به اسم اضافه می‌شود تا صفت بسازد و معنی شباهت به آن می‌بخشد:

k<sup>w</sup>er-onæ

بچگانه

/-ar/ پسوندی که به اسم، صفت، و ستاک حال فعل افزوده می‌شود و صفت می‌سازد:

paj-ar

پایدار

/-æki/ پسوندی که به اسم افزوده می‌شود و صفت می‌سازد:

ʔaw-æki

آبکی

/-ija/ از زایاترین پسوندهای گویش لکی که به ستاک حال فعل اضافه می‌شود و صفت مفعولی می‌سازد:

ref-ija

ریخته‌شده

/-i/ پسوندی که صفت مفعولی می‌سازد و به فعل اضافه می‌شود:

mæn-i

مانده

/-u/ پسوندی که به اسم افزوده می‌شود و صفت فاعلی می‌سازد و معنای مبالغه را می‌رساند.  
این پسوند زایایی چشمگیری دارد:

meʒ-u کسی که آهسته حرف می‌زند.

/-in/ این پسوند به اسم افزوده می‌شود و صفت نسبی می‌سازد و تقریباً زایاست:

xak-in خاکین

/-a/ پسوندی صفت‌ساز که زایایی اندکی دارد:

?az-a سالم و بی‌عیب

/-al/ این پسوند به ستاک گذشته فعلی اضافه می‌شود و صفت می‌سازد. این پسوند زایا نیست:

merd-al مردار

/-æʎi/ پسوندی که به اسم افزوده می‌شود و صفت می‌سازد:

xaw-æʎi خواب‌آلوده

/-ænin/ این پسوند فقط در واژه زیر دیده می‌شود و از آن صفت می‌سازد:

xaw-ænin اشراف‌زاده

/-mæn/ هرگاه این پسوند به اسم بییوندد، از آن صفت می‌سازد:

dolæ-mæn ثروتمند

/-en/ پسوندی که به اسم افزوده می‌شود و صفت می‌سازد. این پسوند بسیار زایاست:

nʎz-en آن که زیاد حرف می‌زند، وراج

/-æʎ/ این پسوند به اسم و صفت افزوده می‌شود و از آن صفت می‌سازد:

mus-æʎ ولگرد

/-em/ پسوندی که با اعداد ترتیبی، که نقش صفتی دارند، به کار برده می‌شود:

tʃ<sup>w</sup>ar-em چهارم

/-emin/ این پسوند با اعداد ترتیبی، که نقش صفتی دارند، به کار برده می‌شود:

hæft-emin هفتمین

/-æni/ این پسوند صفت‌ساز مفهوم لیاقت را می‌رساند و به ستاک گذشته افزوده می‌شود:

h<sup>w</sup>ard-æni خوردنی

/-i/ این پسوند به اسم افزوده می‌شود و صفت نسبی می‌سازد:

?iron-i ایرانی



	/-æki/	پسوندى که به اسم و صفت اضافه مى‌شود و قید مى‌سازد:
few-æki		صبح زود
	/-ækoni/	پسوندى که به اسم افزوده مى‌شود و قید مى‌سازد:
?iwar-ækoni		هنگام غروب آفتاب
	/-o(n)/	این پسوند به اسم و صفت افزوده مى‌شود و قید مى‌سازد:
mefk-o(n)		هنگام خشکی

## ۲ تصریف

در این بخش به تصریف در گویش لکی پرداخته مى‌شود. به دیگر سخن، آن دسته از وندهای تصریفی که در فرایند تصریف اسم، صفت، و فعل دخیل‌اند مفصل بررسی مى‌شوند.

### ۱-۲ تصریف اسم

در بحث تصریف اسم به بررسی نظام شمار و معرفه و نکره پرداخته مى‌شود.

#### نظام شمار

در گویش لکی دلفان، اسم به دو صورت مفرد و جمع به کار مى‌رود. اسم در حالت مفرد هیچ‌گونه وند تصریفی ندارد، یعنی اسم به تنهایی به کار مى‌رود.

k <sup>w</sup> er	پسر
	پسوند /-æʎ/ وندِ تصریفی جمع در گویش لکی است:

k <sup>w</sup> er-æʎ	پسران
----------------------	-------

اگر آخرین آوای واژه واکه باشد، واکه وند تصریفی حذف و به صورت /-ʎ/ ظاهر مى‌شود.

bera-ʎ	برادران
--------	---------

نکته مهم این است که اگر معرفه و شمار هر دو توأمان مد نظر باشد، وند تصریفی مورد نظر

به صورت پسوند /-eʎæ/ ظاهر مى‌شود که /-æ/ نشان معرفه و /-eʎ/ نشان شمار است:

miz-eʎæ	آن میزها
---------	----------

در گویش لکی، همانند زبان فارسی، تعدادی اسم هست که بدون نشانه ظاهری (یعنی وند

تصریفی) جمع بر جمع بودن دلالت دارند و اسم جمع نامیده مى‌شوند:

mærdem	مردم
--------	------



/-in/ این پسوند که کاربرد زیادی دارد فقط به ستاک حال فعل افزوده می‌شود و مصدر می‌سازد:

dyr-in دوختن

/-en/ این پسوند فقط به ستاک گذشته فعل می‌پیوندد و مصدر می‌سازد. این پسوند کاربرد

بسیار زیادی دارد:

daʃ-t-en داشتن

در نمونه‌های بالا /t/ و /d/ وندهای گذشته‌سازند.

### ستاک حال و گذشته

همهٔ افعال گویش لکی با یکی از دو ستاک حال یا گذشته ساخته می‌شوند. ستاک حال هیچ‌گونه وند تصریفی ندارد. از سوی دیگر، ستاک گذشته با افزودن وندهای زیر به مادهٔ فعل ساخته می‌شود:

/-i/ این پسوند از دیگر وندهای گذشته‌ساز است که به ستاک حال افزوده می‌شود:

ber-i-m بریدم

/-t/ این وند کاربرد بسیاری دارد و به ستاک حال افزوده می‌شود و ستاک گذشته می‌سازد:

daʃ-t-et داشتی

/-d/ این وند تکواژگونه‌ای از وند گذشته‌ساز /-t/ است که بعد از واکدارها ظاهر و به آخر ستاک حال اضافه می‌شود و ستاک گذشته می‌سازد. این وند کاربرد بسیاری دارد:

mer-d-em مُردم

### ساخت سببی

در گویش لکی، با افزودن پسوند /-on/ در زمان گذشته و /-en/ در زمان حال به برخی افعال ناگذر و گذرا می‌توان وابسته‌های فعل را افزایش داد. اگر این پسوندها، یا «وندهای سببی‌ساز»، به فعل ناگذر بپیوندند آن را به فعل گذرا تبدیل می‌کند:

ters-im                      ترسیدم                      ters-on-em → ترساندمش                      زمان گذشته:

mæ-pær-en                      می‌پرند                      mæpær-en-en → می‌پراندند                      زمان حال:

### فعل امر

فعل امر در گویش لکی با افزودن پیشوند /-be/ به ستاک حال افعال گذرا و ناگذر به دست می‌آید:

be-ger بگیر



خندیدن xæn-in

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	xæn-i-m	xæn-i-men
دوم شخص	xæn-i-n	xæn-i-n(on)
سوم شخص	xæn-i-θ	xæn-i-n

در افعال گذرا: خوردن mard-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mard-em	mard-mo(n)
دوم شخص	mard-et	mard-to(n)
سوم شخص	mard-i	mard-o(n)

شناسه‌های فعلی گذشته ساده در همه افعال گذرای که مصدر آنها با نشانه مصدری /-in/ ساخته می‌شود متفاوت با شناسه‌های فعلی بالاست:

بریدن ber-in

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	ber-i-m	ber-i-mo(n)
دوم شخص	ber-i-t	ber-i-to(n)
سوم شخص	ber-i-ti	ber-i-w-on

شناسه‌های فعلی گذشته استمراری

این فعل از ستاک گذشته به علاوه پیشوند /mæ-/ و شناسه‌های فعلی گذشته ساده در افعال گذرا و ناگذر ساخته می‌شود.

در افعال ناگذر: افتادن kæt-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mæ-kæt-em	mæ-kæt-im(en)
دوم شخص	mæ-kæt-i(n)	mæ-kæt-ino(n)
سوم شخص	mæ-kæt-θ	mæ-kæt-en

## در افعال گذرا: خوردن      ʌrd-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	می خوردم mæ-ʌrd-em	می خوردیم mæ-ʌrd-mo(n)
دوم شخص	می خوردی mæ-ʌrd-et	می خوردید mæ-ʌrd-to(n)
سوم شخص	می خورد mæ-ʌrd-i	می خوردند mæ-ʌrd-o(n)

## شناسه‌های فعلی گذشته ناتمام (ماضی ملموس)

این فعل از ترکیب گذشته ساده فعل *daʃten* در نقش فعل معین با گذشته استمراری فعل اصلی به دست می‌آید و هر دو با هم صرف می‌شوند. ساخت این فعل در افعال ناگذر و گذرا یکسان است.

## در افعال ناگذر: خوابیدن      ʌt-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	داشتم می خوابیدم daʃt-em mæʌt-em	داشتیم می خوابیدیم daʃt-mo(n) mæʌt-im(en)
دوم شخص	داستی می خوابیدی daʃt-et mæʌt-i(n)	داشتید می خوابیدید daʃt-to(n) mæʌt-en
سوم شخص	داشت می خوابید daʃt-i mæʌt-ø	داشتند می خوابیدند daʃt-o(n) mæʌt-en

## در افعال گذرا: خوردن      ʌrd

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	داشتم می خوردم daʃt-em mæʌrd-en	داشتیم می خوردیم daʃt-mo(n) mæʌrd-mo(n)
دوم شخص	داستی می خوردی daʃt-et mæʌrd-et	داشتید می خوردید daʃt-to(n) mæʌrd-to(n)
سوم شخص	داشت می خورد daʃt-i mæʌrd-i	داشتند می خوردند daʃt-o(n) mæʌrd-to(n)

### شناسه‌های فعلی گذشته التزامی

این فعل از ترکیب ستاک به علاوه شناسه گذشته التزامی و شناسه‌های فعلی در افعال گذرا و ناگذر ساخته می‌شود.

ʌæt-en

خوابیدن

در افعال ناگذر:

شمار شخص	ʌæt-en	
	مفرد	جمع
اول شخص	ʌæt-y-m خوابیده باشم	ʌæt-y-mo(n) خوابیده باشیم
دوم شخص	ʌæt-y-n خوابیده باشی	ʌæt-y-no(n) خوابیده باشید
سوم شخص	ʌæt-y-θ خوابیده باشد	ʌæt-y-n خوابیده باشند

نکته مهم این است که شناسه‌های فعلی گذشته التزامی در دوم شخص مفرد و سوم شخص جمع یکسان است و بافت در این موارد تعیین‌کننده است.

ʌard-en

خوردن

در افعال گذرا:

شمار شخص	ʌard-en	
	مفرد	جمع
اول شخص	ʌard-y-m خورده باشم	ʌard-y-mo(n) خورده باشیم
دوم شخص	ʌard-y-t خورده باشی	ʌard-y-to(n) خورده باشید
سوم شخص	ʌard-y-t-i خورده باشد	ʌard-y-t-on خورده باشند

### شناسه‌های فعلی گذشته کامل (ماضی بعید)

ساخت گذشته کامل با ساخت گذشته التزامی یکسان است و فقط بافت این دو فعل را از هم متمایز می‌کند:

vere jæ ke to bajn, ?ewen Gæza-w-on ʌardy.

قبل از اینکه تو بیایی، آنها غذا را خورده بودند.

### شناسه‌های فعلی گذشته غیرواقعی

این فعل از ترکیب ستاک گذشته با پیشوند /be-/ و نیز شناسه‌های فعلی در افعال گذرا و ناگذر به صورت یکسان ساخته می‌شود. این فعل از نظر معنایی بر آرزویی محال در زمان گذشته در قالب جمله شرطی دلالت دارد، اما ساخت فعل شبیه گذشته استمراری است.

## در افعال ناگذر: آمدن hæ-t-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	آمده بوده باشم	be-hæt-am (en) آمده بوده باشیم
دوم شخص	آمده بوده باشی	be-hæt-aj (n) آمده بوده باشید
سوم شخص	آمده بوده باشد	be-hæt-a آمده بوده باشند

## در افعال گذرا: گرفتن gert-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	گرفته شده باشم	be-gert-am (n) گرفته شده باشیم
دوم شخص	گرفته شده باشی	be-gert-aj (n) گرفته شده باشید
سوم شخص	گرفته شده باشد	be-gert-a گرفته شده باشند

## شناسه‌های فعلی حال کامل (ماضی نقلی)

این فعل از ترکیب ستاک گذشته و شناسه‌های فعلی حال کامل با نشانهٔ حال کامل /-æ/ ساخته می‌شود.

## در افعال ناگذر: افتادن kæt-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	افتاده‌ام	kæt-em-æ افتاده‌ایم
دوم شخص	افتاده‌ای	kæt-in-æ افتاده‌اید
سوم شخص	افتاده است	kæt-i-j-æ افتاده‌اند

در این موارد /-æ/ نشانهٔ حال کامل است.

## در افعال گذرا: خوردن mard-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	خورده‌ام	mard-em-æ خورده‌ایم
دوم شخص	خورده‌ای	mard-et-æ خورده‌اید
سوم شخص	خورده است	mard-i-j-e خورده‌اند

در خور توجه است که در فعل گذرا در سوم شخص مفرد نشانهٔ حال کامل به /-e/ تبدیل می‌شود.

شناسه‌های فعلی حال کامل استمراری (ماضی نقلی مستمر)

فعل حال کامل استمراری در گویش لکی از ترکیب پیشوند استمراری /mæ-/ به علاوهٔ حال کامل فعل در افعال گذرا و ناگذر به دست می‌آید.

در افعال ناگذر: خندیدن xæn-in

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mæ-xæn-i-m-æ می‌خندیده‌ام	mæ-xæn-i-men-æ می‌خندیده‌ایم
دوم شخص	mæ-xæn-i-n-æ می‌خندیده‌ای	mæ-xæn-i-non-æ می‌خندیده‌اید
سوم شخص	mæ-xæn-i-j-æ می‌خندیده است	mæ-xæn-i-n-æ می‌خندیده‌اند

در افعال گذرا: گرفتن gert-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mæ-gert-em-æ می‌گرفته‌ام	mæ-gert-emon-æ می‌گرفته‌ایم
دوم شخص	mæ-gert-et-æ می‌گرفته‌ای	mæ-gert-eton-æ می‌گرفته‌اید
سوم شخص	mæ-gert-i-j-e می‌گرفته است	mæ-gert-on-æ می‌گرفته‌اند

شناسه‌های فعلی حال اخباری ساده (مضارع اخباری)

این فعل از ترکیب پیشوند وجه اخباری /mæ-/ به علاوهٔ ستاک حال و شناسه‌های فعلی در افعال گذرا و ناگذر ساخته می‌شود. گذرایی در این فعل نقشی ندارد، یعنی ساخت فعل حال اخباری ساده در افعال گذرا و ناگذر یکسان است.

در افعال ناگذر: افتادن kæt-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mæ-kew-em می‌افتم	mæ-kew-im(en) می‌افتیم
دوم شخص	mæ-kew-i(n) می‌افتی	mæ-kew-ino(n) می‌افتید
سوم شخص	mæ-kew-i می‌افتد	mæ-kew-en می‌افتند

## در افعال گذرا: kæn-en      کندن

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	mæ-kæn-em می‌کنم	mæ-kæn-im(en) می‌کنیم
دوم شخص	mæ-kæn-i(n) می‌کنی	mæ-kæn-ino(n) می‌کنید
سوم شخص	mæ-kæn-i می‌کند	mæ-kæn-en می‌کنند

## شناسه‌های فعلی حال اخباری مستمر (مضارع مستمر)

این فعل از ترکیب *daŋten* در نقش فعل معین به همراه فعل اصلی ساخته می‌شود. فعل معین قبل از فعل اصلی می‌آید و هر دو با هم صرف می‌شوند. شناسه‌های فعلی حال اخباری مستمر در افعال گذرا و ناگذر یکسان است.

## در افعال ناگذر: kæt-en      افتادن

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	دارم می‌افتم der-em mæ-kew-em	داریم می‌افتیم der-im mæ-kew-im
دوم شخص	داری می‌افتی der-i(n) mæ-kew-i(n)	دارید می‌افتید der-ino(n) mæ-kew-ino(n)
سوم شخص	دارد می‌افتد der-i mæ-kew-i	دارند می‌افتند der-en mæ-kew-en

## در افعال گذرا: gert-en      گرفتن

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	دارم می‌گیرم der-em mæ-ger-em	داریم می‌گیریم der-im mæ-ger-im
دوم شخص	داری می‌گیری der-i(n) mæ-ger-i(n)	دارید می‌گیرید der-ino(n) mæ-ger-ino(n)
سوم شخص	دارد می‌گیرد der-i mæ-ger-i	دارند می‌گیرند der-en mæ-ger-en

شناسه‌های فعلی حال التزامی (مضارع التزامی)

این فعل از ستاک حال افعال ناگذر و گذرا به علاوه پیشوند وجه التزامی /be-/ و نیز شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. شایان توجه است که در اینجا گذرایابی تفاوتی بین شناسه‌های افعال گذرا و ناگذر ایجاد نمی‌کند.

در افعال ناگذر: افتادن kæt-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	be-kew-em	بیفتیم
دوم شخص	be-kew-i	بیفتید
سوم شخص	be-kew-i	بیفتند

در افعال گذرا: نوشتن nys-in

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	be-nys-em	بنویسیم
دوم شخص	be-nys-i	بنویسید
سوم شخص	be-nys-i	بنویسند

اگر بعد از وند وجه التزامی واکه /a/ قرار گیرد، واکه پیشوند التزامی حذف می‌شود؛ مانند:

آوردن ?awerd-en

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول شخص	bar-em	بیاوریم
دوم شخص	bar-i(n)	بیاورید
سوم شخص	bar-i	بیاورند

فعل نفی (وجه نفی)

وند تصریفی نفی در گویش لکی دلفان تکواژ گونه‌های /næ-/, /ne-/ و /n-/ است. وند تصریفی نفی در افعال گذشته ساده، گذشته التزامی، گذشته کامل، گذشته غیر واقعی،

حال التزامی، حال کامل، و حال اخباری به صورت /næ-/ ظاهر می‌شود؛ مانند *وند تصریفی نفی* در فعل گذشته التزامی:

نکشته بودید  $næ-k^w e\{t-y-to(n)$  → کشته بودید  $k^w e\{t-y-to(n)$

*وند تصریفی نفی* در افعال حال اخباری مستمر و گذشته استمراری به صورت /ne-/ ظاهر می‌شود؛ مانند *وند تصریفی نفی* در فعل حال اخباری مستمر:

دارند نمی‌کنند  $der-en ne-mæ-kæn-en$  → دارند می‌کنند  $der-en mæ-kæn-en$

در افعالی که مصدر آنها با استفاده از نشانه مصدر /-in-/ ساخته می‌شود *وند تصریفی* به صورت /n-/ ظاهر می‌شود و پس از افزوده شدن آن اولین همخوان واژه حذف می‌شود:

نبریده‌ام  $ner-im-æ$  → بریده‌ام  $der-im-æ$

*وند تصریفی نفی* در افعال پیشوندی بعد از پیشوند فعلی و قبل از فعل قرار می‌گیرد:

ترک جایی نکردن  $\text{?æria } n\text{-}\{i-n$  → ترک جایی کردن  $\text{?æria } \{i-n$

بیرون نیامدن  $\text{?er } n\text{-}\text{hæt-en}$  → بیرون آمدن  $\text{?er } \text{hæt-en}$

### ۳ نتیجه

در این مقاله که درباره اشتقاق و تصریف در گویش لکی دلفان است، پس از توصیف کامل وندهای اشتقاقی و تصریفی، نتایج زیر به دست آمده است:

— در گویش لکی همانند زبان فارسی میانوند وجود ندارد و وندهای اشتقاقی و تصریفی به صورت پیشوند یا پسوند ظاهر می‌شوند.

— برخی وندها از زبان فارسی، گاه با تغییرات آوایی، به گویش لکی وارد شده‌اند؛ مانند: /-son/، /-don/، و /-bon/.

— نقش گذرایی در گویش لکی بجز در شناسه‌های فعلی حال التزامی و حال اخباری ساده چشمگیر است. به عبارت دیگر، شناسه‌های فعلی بجز در افعال حال التزامی و حال استمراری ساده منوط به گذرا بودن یا گذرا نبودن متفاوت‌اند.

— در گویش لکی اگر جمله مفعول داشته باشد، شناسه‌های فعلی فقط در سوم شخص مفرد به فعل می‌پیوندند، ولی با اندک تغییری در پایان مفعول جمله ظاهر می‌شود.



## منابع

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴)، قوم‌لر، تهران، انتشارات آگاه.
- ایزدینا، حمید (۱۳۶۷)، فرهنگ لکی، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، چاپخانه گیلان.
- تراب‌پور، جواد (۱۳۸۰)، «تحلیل شعر معاصر لرستان بر اساس چهره‌های شاخص این دوره»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ‌نشده)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- دادستان، امین (۱۳۸۲)، «دستور زبان لکی»، [www.lakestan.com](http://www.lakestan.com).
- رحیمی عثمانوندی، رحیم (۱۳۷۸)، بومیان دره مهرگان: تحقیقی پیرامون قوم (لک) یا بومیان دره مهرگان کده (سیمره) از عصر حجر تا کنون، کرمانشاه، انتشارات ماهیدشت.
- ستاری گلباغی، مرادعلی (۱۳۸۰)، «تحلیل خطاهای واژگانی لک‌زبانان در یادگیری و کاربرد زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ‌نشده)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شقایقی، وبدا (۱۳۸۶)، میانی صرف، تهران، انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، «فرایند تکرار در زبان فارسی»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، «واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟»، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، ص ۱۵۷-۱۴۱.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۲-۱۳۷۰)، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی»، نشر دانش، س ۱۳-۱۱.
- کاظمی، ایرج (۱۳۸۴)، *دلفان در گذر تاریخ (مشاهیر اهل حق)*، خرم‌آباد، انتشارات افلاک.
- کاظمی، فروغ (۱۳۸۴)، «بررسی خطاهای نحوی لک‌زبانان در یادگیری و کاربرد زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ‌نشده)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۲)، *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، «پسوندهای اشتقاقی در گویش مازندرانی کلاردشت»، *مجله زبان‌شناسی*، س ۱۰، ش ۱، ص ۸۸ تا ۱۰۶.
- ماهویتیان، شهرزاد (۱۳۸۳)، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه مهدی سمائی، تهران، نشر مرکز.
- میرچراغی، سیدفروود (۱۳۶۹)، *بررسی ساختمان دستوری گویش لکی خواجهوندی کلاردشت*، تهران، انتشارات پرهام.

- Akmajian, J. T. (1990), *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*, Cambridge, the MIT Press.
- Bauer, L. (2005), *A Glossary of Morphology*, Edinburgh, Edinburgh University Press.
- \_\_\_\_\_ (1983), *English Word Formation*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Crystal, D. (1992), *An Eyclopedia of Language and Languages*, Oxford, Blackwell.
- Haspelmath, M. (2002), *Understanding Morphology*, London, Arnold.
- Jenson, J. T. (1990), *Morphology, Word Structure in Generative Grammar*, Amesterdam, John Benjamins Publication Co.
- Katamba, F. (1993), *Morphology*, London, Macmillan Press Ltd.
- Matthews, P. H. (1989), *Morphology: An Introduction to the Theory of Word Structure*, Cambridge, Cambridge University Press.